

## عربستان، آمریکا و خاشقجی، قتل در نیمروز افول هژمونی

قتل جمال خاشقجی در کنسول‌گری عربستان در استانبول، به یکی از مهم‌ترین وقایع جهان سیاست بدل شده است. برملا شدن این قتل و تبعات آن، چونان طوفان سیاسی سهمگینی بر طبقه حاکمه عربستان وزیدن گرفته و متحدین استراتژیک عربستان را به شدیدترین موضع‌گیری‌ها در این خصوص واداشته است. آنان که اظهارات ترامپ را درخصوص «لزوم تنبیه عربستان» به ژستی دیپلماتیک و نمایش تصنعی تعبیر کرده<sup>۱</sup> و شاهد و گواه خود را نیز در اظهارات آشتی‌جویانه ترامپ، مبنی بر «عمل خودسرها» می‌یابند، در برابر اظهارات بی‌سابقه سناتورهای که خواهان «تحریم شدید عربستان عربستان» و «قطع کامل روابط» شده و عربستان را به‌عنوان «بدترین بازیگری ... که دوست آمریکا نیست» توصیف می‌کردند؛ چیز زیادی برای عرضه نخواهند داشت. درک لیبرال‌مآبانه از وقایع است که چنین واکنش‌هایی را ناشی از «ناراحتی متحدین غربی»<sup>۲</sup> ارزیابی می‌کند. اگرچه حاکمان عربستان سعودی توانایی بی‌بدیلی در آفرینش رسوایی‌های سیاسی دارند، و این یکی دیگر از آن شاهکارهای ناب بود، با این همه واکنش‌ها پیرامون این مسئله چنان شدید و گسترده است که مخاطب کنجکاو را بی‌درنگ به پرسش پیرامون اهمیت این قتل و دلالت‌ها و اشارت‌های آن در جهان کنونی وامی‌دارد. قتل یک «روزنامه‌نگار منتقد حکومت» به هر شیوه‌ای هم که باشد، ناتوان از شخم‌زنی عالم سیاست است. در پس پرده چنین حوادثی می‌بایست آن روندهایی را جست که اینک به میانجی آن حادثه به سطح پدیدار آمده‌اند. خواهیم دید که به میانجی قتل آقای خاشقجی چه روندهایی بیش از پیش نمایان شده‌اند.

اگرچه خود شخصیت خاشقجی و جایگاهش در نظام حکومتی عربستان، در کل این ماجرا اهمیتی حاشیه‌ای دارد، با این همه بررسی اقدامات و جایگاه وی روشن‌گر برخی از جنبه‌های این ماجرا است. جمال خاشقجی، بیشتر به‌عنوان روزنامه‌نگار و سردبیر در روزنامه‌هایی چون الوطن، الحیات و الشرق‌الاوسط شناخته می‌شود و عمده شهرتش در این خصوص به پیشتازی‌اش در معرفی اسامه بن‌لادن و «مجاهداتش» به جهانیان در سال ۱۹۸۸ مربوط می‌شود.<sup>۳</sup> این مسئله به ارتباط شخصی خاشقجی با بن‌لادن، هواداری‌اش از مبارزه مجاهدین افغان علیه نیروهای شوروی و همچنین هواداری‌اش از اخوان (و احتمالاً عضویت در آن) مربوط می‌شد.<sup>۴</sup> خاشقجی البته بعد از حملات ۱۱ سپتامبر از بن‌لادن

<sup>۱</sup> دروغگوئی، ریاکاری و توطئه‌گری در ماجرای قتل روزنامه‌نگار سعودی. حزب کمونیست ایران، مهر ۱۳۹۷.

<sup>۲</sup> برای نمونه مجری شبکه بی‌بی‌سی فارسی در برنامه صفحه ۲ این شبکه با عنوان «ماجرای جمال خاشقجی و پیامدهای آن برای عربستان سعودی» واکنش آمریکا را به علت ناراحتی این کشور از عربستان می‌داند.

<sup>۳</sup> Obituary: Jamal Khashoggi was a 'good man and a fine journalist'. Aljazeera, October 2018.

<sup>۴</sup> From travels with bin Laden to sparring with princes: Jamal Khashoggi's provocative journey. Washington Post, October 2018.

فاصله گرفت. در همان اوان به‌عنوان مشاور رسانه‌ای ترکی بن‌فیصل، از چهره‌های اطلاعاتی بدنام عربستان و سفیر وقت این کشور در بریتانیا و آمریکا، مشغول به کار شد. رابطه خاشقجی با کانون‌های قدرت در عربستان بیش از این‌هاست. وی عضو یکی از خانواده‌های ثروتمند و پرنفوذ ساکن در عربستان است. پدر بزرگ‌اش پزشک دائم عبدالله بن عبدالعزیز، پادشاه سابق عربستان و عمویش، عدنان خاشقجی، یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌داران و تاجران سلاح این کشور بود که از قضا روابط و ماجراهایی خواندنی با ترامپ در کارنامه داشته است.<sup>۵</sup> همچنین خاشقجی از یاران رسانه‌ای ولید بن طلال، بزرگ‌ترین سرمایه‌دار عربستان نیز بود. تا آنجا که وی به سمت مدیرکلی عرب نیوز شبکه تحت مالکیت این سرمایه‌دار، انتخاب شد.<sup>۶</sup> با برسرکار آمدن بن‌سلمان خاشقجی در حاشیه قرار گرفت و سرانجام ناگزیر به ترک عربستان شد.

به این ترتیب در گام نخست مشخص می‌شود که خاشقجی صرفاً یک روزنامه‌نگار منتقد دولت عربستان نیست. وی نه تنها با جناح خاصی از حکومت در عربستان در ارتباط بوده بلکه با بدنام‌ترین باندهای اطلاعاتی این رژیم در پیوند است. به‌سادگی می‌توان حدس زد که قتل وی نیز در ارتباط با تسویه حساب‌های درونی طبقه حاکمه عربستان است که در یک سال اخیر، تحت نظارت بن‌سلمان، «شاهزاده اصلاح طلب و متجدد» عربستان اجرایی شده است.

### ترامپ، نفت و عربستان: مرثیه‌ای برای یک رؤیا؟

ترامپ در زمستان ۱۳۹۵ در حالی پا به کاخ سفید گذاشت که روابط آمریکا با متحدین استراتژیک‌اش در خاورمیانه، عربستان و اسرائیل، بر سر سیاست‌های دولت اوباما در قبال ایران شدیداً سرد بود. به یاد داریم که نخستین مقصد خارجی ترامپ در مقام رئیس جمهور آمریکا عربستان و اسرائیل بود.<sup>۷</sup> بازسازی روابط با عربستان یکی از اولویت‌های استراتژیک دولت ترامپ در خاورمیانه بوده و هست. عربستان به‌عنوان منبع غنی نفت در خاورمیانه، طی چهار دهه اخیر نقش مهمی در حفظ سلطه دلار ایفا کرده و نه تنها رهبری شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج فارس را بر عهده دارد بلکه در جهان عرب از نفوذ گسترده‌ای برخوردار است. با این همه تلاش دولت ترامپ برای بازسازی این روابط با موانع و چالش‌هایی جدی همراه است. امری که روابط آمریکا و عربستان را در وهله کنونی با آشفتگی و انحراف از معیار مواجه ساخته است.

<sup>5</sup> Adnan Khashoggi: the 'whoremonger' whose arms deals funded a playboy life of decadence and 'pleasure wives'. Independent, June 2017.

<sup>6</sup> Turkish police believe Saudi journalist Khashoggi was killed at consulate, sources say. Dailysabah, October 2018.

<sup>7</sup> نخستین سفر خارجی ترامپ با عربستان آغاز شد. یورونیوز فارسی، ژوئن ۲۰۱۷.

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها بر سر مسئله نفت و سیاست‌های اوپک بوده است. در حالی که دولت ترامپ در تمام ۶ ماه اخیر سیاست‌های اوپک را و به همین مناسبت سیاست‌های عربستان را، آشکار و پنهان به باد انتقاد گرفته است؛ قیمت نفت در بازارهای جهانی همچنان شیب تند صعودی را طی کرده است. بی‌شک نسبت دادن تنش‌ها در روابط آمریکا و عربستان به مسئله نفت قسماً تقلیل‌گرایی در نظر خواهد آمد. خواهیم دید که چگونه مسئله نفت با مسائل به مراتب حیاتی‌تر و استراتژیک پیوند خواهد خورد. پیش از آن ببینیم سیاست‌های اوپک چه بوده و آمریکا چرا و با چه سلاح و ابزاری با آن مقابله کرده است؟

قریب به دو سال پیش، کشورهای عضو و غیر عضو اوپک<sup>۸</sup> طی اجلاسی به منظور افزایش قیمت نفت، تصمیم به کاهش تولید ۱٫۸ میلیون بشکه‌ای گرفتند. این توافق از بهمن ۱۳۹۵ به اجرا گذاشته شده است. عربستان از سال ۹۳ به این سو به منظور فشار بر رقبای منطقه‌ای و نیز ضربه زدن به تولید نفت شیل در آمریکا، تولید نفت را به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش داد. همچنین پیشرفت تکنولوژی استخراج نفت شیل و افزایش بی‌سابقه تولید نفت آمریکا<sup>۹</sup> طی دو سال قیمت نفت را از ۱۱۵ دلار به کمتر از ۳۰ دلار در هر بشکه کاهش داد. چنین وضعیتی به‌ویژه برای کشورهای عربی و روسیه، افقی به‌شدت نامطلوب بود. این وضعیت به توافق کاهش تولید میان کشورهای عمده تولید کننده در آبان ۹۵ منجر شد. این توافق، در فروردین ۹۶ تا پایان سال ۲۰۱۸ میلادی تمدید شد.<sup>۱۰</sup> جالب آنکه عربستان در شرایطی تن به کاهش ۵۰۰ هزار بشکه‌ای نفت می‌داد که ایران از حق افزایش ۹۰ هزار بشکه‌ای برخوردار می‌شد. رضایت عربستان و متحدین منطقه‌ای‌اش به چنین امری، به ضرورت افزایش قیمت نفت بازمی‌گشت. عربستان در همان زمان از کسری بودجه ۹۸ میلیارد دلاری رنج می‌برد<sup>۱۱</sup> و افق نفت ۳۰ دلاری، دولت این کشور را ناگزیر به در پیش گرفتن هر سیاستی برای افزایش قیمت نفت می‌کرد.

اجرایی شدن توافق کاهش تولید، با کاهش شدید تولید در ونزوئلا و کشورهایی چون اندونزی و گینه همراه شد.<sup>۱۲</sup> به نحوی که در نهایت کشورهای حاضر در توافق، کاهش تولید ۱۶۰ درصدی را نسبت به سطح تولید در سال ۹۵ تجربه

---

<sup>۸</sup> این مجموعه از اعضای اوپک و ۱۱ کشور غیر عضو شامل جمهوری آذربایجان، بحرین، بولیوی، برونئی، گینه استوایی، قزاقستان، مالزی، مکزیک، عمان، سودان، و سودان جنوبی تشکیل می‌شود.

<sup>۹</sup> ایالات متحده با بهره‌گیری از تکنولوژی استخراج نفت شیل، با تولید روزانه ۱۲ میلیون بشکه، طی یک دهه اخیر به بزرگترین تولید کننده نفت جهان تبدیل شده است.

<sup>۱۰</sup> اوپک توافق کاهش تولید نفت را تا پایان ۲۰۱۸ تمدید کرد. رادیو فردا، آذر ۱۳۹۶.

<sup>۱۱</sup> رکورد کسری بودجه عربستان شکست. بی‌بی‌سی فارسی، دی ۱۳۹۴.

<sup>۱۲</sup> کاهش تولید نفت ونزوئلا ادامه‌دار شد. اقتصاد آنلاین. اسفند ۱۳۹۶.

می‌کنند. چنین وضعیتی که اخیراً با تنش‌های ایران و آمریکا بر سر خروج از برجام، بازگشت تحریم‌های آمریکا علیه ایران و تهدیدات ایران مبنی بر بستن تنگه هرمز همراه شده، به افزایش قیمت نفت تا سطح ۸۰ دلار انجامیده است.

این شرایط آشکارا به ضرر ایالات متحده بوده است. پیش از همه آنکه افزایش قیمت حامل‌های انرژی، برای ایالات متحده، بزرگترین مصرف‌کننده نفت جهان، اتفاق خوبی نیست. از آن جمله این مسئله به افزایش ۶۰ درصدی قیمت بنزین در آمریکا منجر شده است.<sup>۱۳</sup> امری که در انتخابات میان‌دوره‌ای پیش‌رو در آمریکا بر سلطه جمهوری‌خواهان بر ارکان سیاسی آمریکا اثرگذار خواهد بود. دیگر آنکه افزایش قیمت‌ها، در آستانه بازگشت تحریم‌ها علیه ایران قرار گرفتن این کشور در تنگنای اقتصادی مورد نظر آمریکا را ممکن نمی‌سازد. اما این تمام چهره ماجرای افزایش قیمت نفت نیست. برای ایالات متحده ماجرا وجهی به‌غایت استراتژیک دارد: یکی نزدیکی عربستان و روسیه و دیگری ظهور چین در مقام تهدیدی سیاسی-اقتصادی.

عربستان مدت‌هاست که به‌منظور کنترل ایران و همچنین به‌منظور پیگیری منافع اقتصادی خود، با روسیه روابط حسنه‌ای برقرار کرده است. با تیره شدن روابط عربستان و آمریکا در دوره دوم ریاست جمهوری اوباما بر سر عدم واکنش واشنگتن به حضور علنی ایران در سوریه و همزمان توافق هسته‌ای ایران و آمریکا، ریاض کوشید تا برای مقابله با نفوذ ایران در منطقه به روسیه نزدیک شود. اگرچه میانجی‌نزدیکی عربستان و روسیه تنها ایران نبوده و ریاض منافع مستقیم اقتصادی خود را در این سیاست پیگیری می‌کند. این امر به روندی انجامیده که با همکاری روسیه برای ساخت ۱۶ رآکتور هسته‌ای،<sup>۱۴</sup> سفر ملک سلمان به مسکو و خرید تسلیحات پیشرفته روسی از جمله سامانه موشکی اس-۴۰۰ همراه بوده است. همکاری روسیه و عربستان بر سر مسئله کاهش نفت در پاییز ۱۳۹۵ نیز تنها بخشی از این روند بوده است. نزدیکی عربستان به روسیه به ویژه بر سر پرونده نفت، برای واشنگتن حرکتی غیر قابل قبول و به‌عنوان ضربه‌ای به هژمونی ابرقدرت ارزیابی می‌شود.<sup>۱۵</sup> به این مسئله باید نکته دیگری افزود و آن نارضایتی آمریکا از عدم مشارکت کشورهایی چون عربستان در تأمین هزینه‌های مربوط به جنگ در سوریه است.

در کنار روابط عربستان و روسیه، تهدیدی جدی‌تر از سوی چین وجود دارد. چین به‌عنوان بزرگ‌ترین واردکننده نفت در جهان، در سال‌های اخیر می‌کوشد تا یوآن را در مبادلات نفتی، جایگزین دلار کند. امری که تحقق‌اش به سلطه دلار، به‌عنوان یکی از ارکان سلطه آمریکا بر بازارهای مالی جهان، ضربه‌ای جبران‌ناپذیر وارد خواهد آورد. عربستان به‌عنوان

<sup>۱۳</sup> گرانی ۶۰ درصدی بنزین در آمریکا به دلیل تحریم نفتی ایران. تسنیم، مهر ۱۳۹۷.

<sup>۱۴</sup> عربستان و روسیه توافقنامه همکاری هسته‌ای امضا کردند. صدای آمریکا، خرداد ۱۳۹۴.

<sup>۱۵</sup> Trump Is Right to Target Saudi-Russian Collusion. Foreign Policy, April 2018.

بزرگ‌ترین صادرکننده نفت به چین نقشی پراهمیت در این میان دارد و پکن در سال‌های اخیر برای واداشتن عربستان به جایگزین ساختن یوآن با دلار در مبادلات نفتی بین دو کشور، فشار مضاعفی به عربستان آورده است.<sup>۱۶</sup> تصمیم همراه با تردید ریاض برای عرضه سهام آرامکو، یکی از بزرگترین شرکت‌های نفتی جهان، در بورس هنگ‌کنگ برای آمریکا زنگ هشدار بود.<sup>۱۷</sup> در مجموع گسترش روابط اقتصادی عربستان و چین در یک سال و نیم اخیر که با تفاهم‌نامه‌ای ۶۵ میلیارد دلاری و توافق برای گشایش صندوق سرمایه‌گذاری مشترک ۲۰ میلیارد دلاری همراه بوده است،<sup>۱۸</sup> در شرایطی که آمریکا با آغاز جنگ اقتصادی و تعرفه‌گذاری، قصد تضعیف چین و حفظ و اعاده جایگاه اقتصادی آمریکا در جهان را دارد؛ برای واشنگتن امری مطلوب نیست.

دولت ترامپ به‌ویژه در ۶ ماه اخیر که سیاست بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران را کلید زده، از عربستان، متحد استراتژیک خود، انتظار داشت تا همکاری لازم را به منظور افزایش تولید نفت و کاهش قیمت‌ها به عمل آورد. حال آنکه عربستان هم‌گام با روسیه، رأی به حفظ توافق کاهش تولید تا پایان سال ۲۰۱۸ داد<sup>۱۹</sup> و از رسیدن قیمت نفت به ۸۰ دلار اظهار خرسندی می‌کرد.<sup>۲۰</sup> در چنین شرایطی ترامپ بارها ضمن حمله به سیاست‌های اوپک، متحدین عربی را هم در خصوص مسئله نفت و هم در خصوص عدم پرداخت هزینه‌های جنگ در سوریه به باد انتقاد گرفته و با ادبیاتی تحقیرآمیز نسبت به متحدین عربی خواستار پیروی این دولت‌ها از سیاست‌های آمریکا شده است. وی در بهار ۹۷ با بیان این مسئله که «برخی کشورهای عربی بدون ما حتی یک هفته هم دوام نمی‌آورند» خواهان همکاری برخی کشورهای عربی (مشخصاً منظور ترامپ عربستان بود) بر سر مسئله پرداخت هزینه‌های جنگ سوریه شد. بیانات وی در تیرماه و در آستانه نشست اوپک مبنی بر اینکه «اوپک قیمت‌ها را بالا می‌راند در حالی که آمریکا از بسیاری از اعضای آن در قبال پولی اندک دفاع می‌کند»<sup>۲۱</sup> و تلاش برای دیکته کردن سیاست‌های واشنگتن به متحدین عربی، بیان‌گر همین اختلافات جدی بود. ترامپ در شهریورماه با صراحت بیشتری گفت: «ما از کشورهای خاورمیانه حمایت می‌کنیم. آنها بدون ما مدت چندانی در امان

<sup>16</sup> China will 'compel' Saudi Arabia to trade oil in yuan. CNBS, October 2017.

<sup>17</sup> عرضه ۵ درصد از سهام این شرکت، قرار بود عایدی ۱۰۰ میلیارد دلاری برای عربستان داشته باشد. همچنین ورود سهام این شرکت به هنگ‌کنگ، و زنه تعیین قیمت نفت را از بورس‌های لندن و نیویورک به چین می‌کشاند. امری که بلندپروازی چین برای مسلط ساختن یوآن را یک گام به تحقق نزدیک می‌کرد. در حال حاضر این طرح از سوی عربستان تعلیق شده است.

<sup>18</sup> بازی ژئوپلیتیک سعودی‌ها در پس پرده عرضه سهام آرامکو. ایسنا، شهریور ۱۳۹۶.

<sup>19</sup> تصویب تمدید کاهش تولید اوپک تا پایان ۲۰۱۸. عصر ایران، آذر ۱۳۹۶.

<sup>20</sup> Saudi Arabia Signals Ambition for \$80 Oil Price. Bloomberg, April 2018.

<sup>21</sup> اوپک باید همین حالا قیمت‌ها را کاهش دهد. خبرگزاری صداوسیما، تیر ۱۳۹۷.

نخواهند بود و با این حال همچنان قیمت‌های نفت را بالا و بالاتر می‌برند. ما این را به‌خاطر خواهیم سپرد».<sup>۲۲</sup> ترامپ تنها به اظهار نظر در این خصوص بسنده نکرده بلکه لایحه مبارزه با اوپک را تحت عنوان «نوپک»، که به دولت ایالات متحده اجازه می‌دهد به اتهام تبانی علیه اعضای اوپک شکایت کند، در کنگره به جریان انداخته است.<sup>۲۳</sup>

روند وقایع را مرور کنیم. عربستان در تمام دو سال اخیر بر طبل افزایش قیمت نفت کوبیده و منافع سیاسی-اقتصادی آمریکا را با نزدیکی به روسیه و همکاری اقتصادی با چین به مخاطره انداخته است. در چند ماه اخیر نیز به‌جای همکاری بی چون و چرا با آمریکا همچنان بر پیگیری منافع خود پافشاری کرده است. آمریکا نیز همواره با تهدید و عتاب و با ادبیاتی تحقیرآمیز خواهان اصلاح انحرافات از معیار عربستان شده است. در چنین شرایطی است که قتل خاشقجی در کنسولگری رخ می‌دهد. قتلی که به‌عنوان افتضاحی سیاسی، میانجی بروز تمام درگیری‌های پیشین در سطحی بالاتر می‌شود.

با افشا شدن ماجرا، نه تنها ترامپ، بلکه بسیاری از سناتورهای جمهوری خواه شدیدترین واکنش‌ها را نشان دادند.<sup>۲۲</sup> سناتور در نامه‌ای به ترامپ، قتل خاشقجی را «نشانه‌ای از نقض گسترده حقوق بشر» دانسته و خواهان تحریم عربستان شدند. لیندسی گراهام، سناتور ارشد جمهوری خواه نیز ضمن حمایت از تحریم شدید و قطع فروش سلاح به عربستان، بن‌سلمان را «ولیعهد خودسر و ویرانگر» نامید که «باید برود».<sup>۲۴</sup> کریس مورفی، سناتور عضو کمیته روابط خارجی سنا نیز خواهان «قطع کامل روابط با عربستان» شده است. رند پل، دیگر سناتور جمهوری خواه نیز در اظهارات مشابه اعلام کرده که «عربستان سعودی دوست ما نیست، زیرا آنها بدترین بازیگری هستند که مروج تروریسم هستند».<sup>۲۵</sup>

چنین اظهاراتی و تمهیدات احتمالی واشنگتن در آینده، نه ناشی از «ناراحتی آمریکا از عربستان» که ناشی از اختلافات جدی در منافع آمریکا و عربستان است. «خودسری»های نفتی و سیاسی عربستان در پیگیری منافع‌اش و نه نقض حقوق بشر یا افتضاح سیاسی همان چیزی است که سناتورهای کنگره را به ناراحتی انداخته است. عربستان در «نقض حقوق بشر» و پدید آوردن افتضاح‌های سیاسی ید طولایی دارد. از ربایش شاهزاده‌هایش در پرواز هوایی گرفته تا گروگان گرفتن نخست‌وزیر کشوری دیگر. از گردن زدن مجرمان گرفته تا تجاوز، قتل عام و جنایات جنگی‌اش در یمن.

---

<sup>۲۲</sup> حمله ترامپ به کشورهای عربی: اوپک همین حالا باید قیمت نفت را کاهش دهد. رادیو فردا، شهریور ۱۳۹۷.

<sup>۲۳</sup> لایحه مبارزه با اوپک در سنای آمریکا بررسی می‌شود. اقتصادنیوز، مهر ۱۳۹۷. این لایحه از سال ۲۰۰۰ در جریان بوده که البته با مخالفت جورج بوش و اواما با تصویب آن، از دستور خارج شده است.

<sup>۲۴</sup> سناتور ارشد آمریکایی: قتل خاشقجی به دستور یک ولیعهد خودسر صورت گرفته است. رادیو فردا، مهر ۱۳۹۷.

<sup>۲۵</sup> سناتور آمریکایی: عربستان دوست آمریکا نیست. الف، مهر ۱۹۷.

در حالی که به مدت نیم قرن، یکی از ارکان سلطه دلار بر بازارهای جهان را اتحاد امنیتی-اقتصادی آمریکا و عربستان ممکن کرده است، اینک وضعیتی پی آمده که عربستان با پیگیری منافعش در راستای تضعیف همان اتحاد گام برمی‌دارد. امری که تضعیف عربستان را نیز در پی خواهد داشت. مسئله اینجاست که عربستان بر بستر چه شرایطی است که به‌عنوان متحد استراتژیک آمریکا، منافع حیاتی را در نزدیکی به روسیه و چین می‌یابد؟ چه وضعیتی است که آمریکا را وامی‌دارد تا برای حفظ عربستان بر نمودار معادلات سیاسی خود، خواهان برکناری دولت در عربستان شود؟

ایالات متحده به‌ویژه طی دهه جاری، جهان تحت سلطه خود را عمیقاً درگون می‌یابد. تضعیف استیلا بر مناطقی چون آمریکای لاتین، بحران‌های عمیق اقتصادی، شکست سیاست‌هایی چون براندازی‌های رنگی و همچنین شکست لشکرکشی‌های گسترده به خاورمیانه، ظهور قدرت‌های اقتصادی نوین‌پدید چون چین، هند و برزیل و بدل شدن متحدینی چون آلمان به رقبای سیاسی و اقتصادی و بروز هرچه بیشتر ناکارآمدی در نهادهایی چون سازمان ملل و ارکانش، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و ناتو و نیز توافقاتی چون توافق نفتا، اتحاد ترانس پاسیفیک و برجام، همگی بروز و تجلی فرایند افول هژمونی آمریکا است. فرایندی که از ۴ دهه پیش در اشکال جنینی‌اش متبازر شده و اینک با شدت و حدت در تمام عرصه‌های سیاسی و اقتصادی ظاهر شده است.

جهان آمریکایی شکاف برداشته و این شکاف و ترک گسترش‌یافته، خود را به تمام عرصه‌ها وارد می‌سازد. ظهور قدرت‌های اقتصادی رقیب آمریکا از یکسو و افول توان اقتصادی-سیاسی آمریکا از سوی دیگر (که با شکلی از نظامی‌گرایی افسارگسیخته همراه است) و همچنین تلاش امپریالیسم آمریکا برای احیای هژمونی خود، متحدین این کشور را به وضعیتی متناقض و دوگانه دچار می‌سازد. وضعیتی که در آن گام برداشتن بر مسیر سیاست‌های آمریکا، تنها قادر به افاده بخشی از منافع سیاسی و اقتصادی دولت متحد خواهد بود و اتفاقاً به شکلی تضادمند به معنای نابودی بسیاری از منافع آن دولت است. چنان است پیگیری براندازی اسد در سوریه از جانب ترکیه که ناگزیر با تقویت کردها همراه بود. همچنین است منافع عربستان در خصوص مسئله نفت: تضعیف ایران در منطقه و رشد اقتصادی آمریکا که به معنی تقویت جایگاه عربستان در منطقه خواهد بود به شکلی تناقض‌آمیز با افزایش تولید نفت و کاهش قیمت آن هم‌بسته است. امری که معنایی جز تضعیف عربستان نخواهد داشت. چنین وضعیتی دولت متحد را به نوسان وامی‌دارد. نوسانی که در سطح پدیدار بروزی جنون‌آمیز دارد.

ما پیشتر شاهد بودیم که چگونه سوریه به آن آوردگاهی بدل شد که تضاد منافع دولت‌های ترکیه و آمریکا را به روشن‌ترین شکلی به نمایش درآورد و سرانجام به تغییر رفتار و فاصله گرفتن ترکیه از آمریکا منجر شد. نکته دقیقاً

آنجاست که وضعیت به ترکیه اجازه می‌دهد تا میان روسیه و آمریکا و بر سر سیاست‌ها و مسائل گوناگون تا آنجا که سایر نیروها و عوامل اجازه می‌دهند دست به انتخاب بزند. ترکیه همچنان که در عضویت ناتو باقی مانده و میزبان نیروهای آمریکایی و آلمانی در اینجریلیک است، با ایران و به‌ویژه روسیه بر سر مسئله استراتژیکی چون ادلب سوریه همکاری تنگاتنگ دارد. در همان دوره دوم ریاست جمهوری اوباما، شکل جنینی چنین وضعیتی در روابط ریاض و واشنگتن و بر سر ماجرای برجام و سیاست مبهم آمریکا در سوریه، آشکار شد. اهمیت عربستان در سیاست خارجی آمریکا و الزاماتی که این کشور را به خروج از برجام و درپیش گرفتن سیاست تهاجمی علیه ایران واداشت، تکوین این تعارض را به تعویق انداخت. با این همه قرار گرفتن عربستان در جایگاه تناقض آمیزی که افول هژمونی آمریکا خلق می‌کند، بازتولید این تعارض را در سطوح و اشکال دیگر ممکن می‌کند. این وضعیت به لرزش و نوسان عربستان می‌انجامد.

برای ترکیه، این نوسان و لرزش، از مدت‌ها پیش آغاز شد و دامنه نوسان تا حدی ویرانگر تشدید شد. اینک چنین فرایندی در نسبت با عربستان پدیدار شده است. فرایندی که به نظر می‌رسد بر سر کار آمدن ترامپ تنها به‌عنوان مسکنی برای آن عمل کرده باشد. جدای از اینکه دامنه‌های این نوسان در خصوص عربستان تا چه سطح و حدی تشدید شود، این تجلی تبعات فرایند افول هژمونی آمریکا است که در اینجا اهمیت دارد.

فرایند افول هژمونی، که با عروج چین به‌عنوان قدرتی اقتصادی و روسیه به‌عنوان هم‌پیمان در زمینه سیاست‌های نفتی همراه بوده است، افقی را در برابر عربستان گشوده که حرکت عربستان به سمت آن، به معنای تضعیف جایگاه دلار، ضربه سیاسی و اقتصادی به آمریکا و مهم‌تر از همه کاهش آسیب‌های ناشی از خروج از برجام بر ایران است.<sup>۲۶</sup> عربستان ناگزیر در چاهی گام می‌نهد که خود برای خود می‌کند و این همه جلوه‌ای از وضعیت افول هژمونی آمریکا است.

ماجرای قتل خاشقجی، به میانجی‌ای بدل شد تا این اختلافات، به‌ویژه در خصوص مخالفت آمریکا با اقدامات جناح منسوب به بن‌سلمان، در بالاترین سطح خود به منصفه ظهور برسند. بی‌شک روابط آمریکا و عربستان در هم‌تنیده‌تر از آن

---

<sup>۲۶</sup> کشورهای عضو و غیر عضو اوپک اخیراً تصمیم به افزایش ۱ میلیون بشکه‌ای نفت گرفته‌اند. بسیاری این تصمیم را به‌عنوان اتحاد آمریکا-روسیه علیه ایران تفسیر و همچنین لغو توافق کاهش تنش در نظر می‌گیرند. در این خصوص لازم به توضیح است که کاهش تولید نفت ائتلاف مذکور، به علت تحریم‌ها علیه ونزوئلا و مشکلات فنی در اندونزی و کشورهای آفریقایی، ۶۰ درصد بیش از مقدار توافق شده بوده و هم‌اکنون این توافق ۲/۸ میلیون بشکه نفت کمتر از مجموع تولید در زمستان ۹۵ تولید می‌کند. توافق برای افزایش ۱ میلیون بشکه‌ای اخیر، که ایران با آن مخالفت می‌کرد بیشتر به‌منظور بازگشت به حدود توافق بود تا پاسخ مثبت به ترامپ. اتفاقاً عربستان و روسیه بسیار کوشیدند تا تصمیم‌شان چنین جلوه‌ای نداشته باشد.

است که اختلافات کنونی به گسسته شدن رشته‌های اتحاد بی‌انجامد. این لرزش و نوسان در اشکال نطفه‌ای خود است که ظاهر می‌شود. موضع نهایی ترامپ در خصوص اهمیت عربستان به‌عنوان یک منبع مالی و همچنین اهمیت‌اش در مواجهه با ایران خود گویای آن است که رشته‌های اتحاد، علی‌رغم ارتعاشات موجود، همچنان مستحکم‌اند. با این همه آنچه اهمیت دارد دقیقاً شکافی است که در وضعیت کنونی بروز کرده و خود را به میانجی قتل خاشقجی نشان داده است.